



The Realm of Knowledge in the *Noble Qur'an* from the Perspective of Allāma Tabātabā'i and Āyatollāh Javādi Āmoli

Soleymān Khākbān*

Received: 2020/8/31 | Accepted: 2021/3/8

Abstract

One of the very important issues in contemporary Iran is to determine “the realm of knowledge in the *Noble Qur'an*” because the supporters of the Qur'anic governance should first specify their stand on 3 minimal, moderate, and maximal approaches. The present article has made a comparison between the viewpoints of 2 eminent Qur'anic researchers; Allāma Tabātabā'i believes that the *Noble Qur'an* is the book of “guidance” not “science”; therefore, he maintains that the knowledge realm of this holy book is restricted to 5 fields of “beliefs”, “ethics”, “rules”, “stories”, and “preaching”. On the other hand, although Āyatollāh Javādi Āmoli accepts “guidance” as the main purpose of the *Noble Qur'an*, he does not hold the scope of guidance restricted to the above five fields and he believes that “all sciences” including “natural science” are in a way involved in the guidance of human being. Hence, the knowledge realm of the *Noble Qur'an* encompasses all sciences including natural science. This study answers “how we can extract all these sciences, especially natural science with all its various categories from a single volume book (*The Noble Qur'an*)”. In this article, Āyatollāh Javādi Āmoli's viewpoint was chosen and the abovementioned theory was explained by his arguments as well as the systems theory and Ahādīth. This paper has used library method for data collection, and comparative analysis for finding the answer.



Keywords: *Noble Qur'an*, Guidance, Science, Allāma Tabātabā'i, Āyatollāh Javādi Āmoli

* Assistant Professor at the Department of Islamic Education, University of Qom | khakban34@gmail.com

□ Khākbān, S. (2021) The Realm of Knowledge in the Noble Qur'an from the Perspective of Allāma Tabātabā'i and Āyatollāh Javādi Āmoli. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 179-203. Doi: 10.22091/PTT.2021.4727.1620





گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی

سلیمان خاکبان*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

چکیده

تعیین تکلیف درباره «گستره معرفتی قرآن کریم»، یکی از مسائل بسیار مهم ایران معاصر است؛ زیرا طرف‌داران حکمرانی قرآنی، ابتدا باید تکلیف خود را با سه دیدگاه حداقلی، میانه و حداکثری مشخص کنند. در مقاله حاضر، دیدگاه دو قرآن‌پژوه برجسته با یکدیگر مقایسه شده است. به اعتقاد علامه طباطبایی، قرآن کریم کتاب «هدایت» است نه «علم»؛ لذا گستره معرفتی قرآن کریم را منحصر در امور پنجگانه «عقاید»، «اخلاق»، «احکام»، «قصص» و «موعظ» می‌داند؛ اما آیت‌الله جوادی ضمن پذیرش «هدایت» به عنوان رسالت اصلی قرآن کریم، دایره هدایت را در امور پنجگانه مذکور منحصر ندانسته و معتقد است «همه علوم»، از جمله «علوم طبیعی»، هر یک به نوعی در هدایت بشر دخیل است؛ لذا گستره معرفتی قرآن کریم شامل همه علوم، از جمله علوم طبیعی نیز می‌شود. اما این که «چگونه می‌توان این همه علوم، به ویژه علوم طبیعی را با زیرشاخه‌های متنوعش از کتابی تک جلدی (قرآن کریم) استخراج کرد؟» پرسش مهمی است که با پاسخ آن آشنا خواهیم شد. در این مقاله دیدگاه آیت‌الله جوادی، برگزیده شده و علاوه بر توجیحات ایشان، نظریه مذکور در پرتو تئوری سیستم‌ها و احادیث تقویت گردیده است. این نوشتار برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، و برای دستیابی به پاسخ پرسش از روش تحلیل و تطبیق استفاده نموده است.



کلیدواژه‌گان: قرآن کریم، هدایت، علم، علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی.

* استادیار گروه معارف دانشگاه قم | khakban34@gmail.com

□ خاکبان، س. (۱۴۰۰). گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، دوفصل‌نامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۷ (۱۳)، ۲۰۳-۱۷۹. Doi: 10.22091/PTT.2021.4727.1620



طرح مساله

یکی از پیش‌نیازهای طراحی، ساخت، هدایت و رهبری جامعه قرآن‌بنیاد، تعیین تکلیف درباره گستره معرفتی قرآن کریم است؛ زیرا سه دیدگاه در این زمینه قابل طرح است، اقلی، اوسطی و اکثری.

توضیح این‌که:

- اگر دیدگاه اقلی (انحصار گستره معرفتی قرآن کریم به امور معنوی) مبنا باشد، در طراحی و ساخت و هدایت و رهبری، در بعد مادی جامعه به جای مراجعه به قرآن کریم باید به معارف بشری مراجعه شود.

- اگر دیدگاه اوسطی (جامعیت فی الجمله قرآن کریم نسبت به امور مادی و معنوی) مبنا باشد، طراحی و ساخت و هدایت و رهبری بعد مادی جامعه بر دو منبع «الهی» و «بشری» استوار خواهد بود. منبع الهی علاوه بر تأمین نیازهای معنوی، در خدمت تبیین خطوط کلی بعد مادی جامعه نیز خواهد بود و از منبع بشری برای اجرایی و عملیاتی کردن رهنمودهای کلی قرآن کریم استفاده خواهد شد.

- اما اگر دیدگاه اکثری (جامعیت بالجمله قرآن کریم نسبت به امور دنیوی و اخروی) مبنا باشد، ناگفته پیداست طراحی و ساخت و هدایت و رهبری جامعه در دو بعد مادی و معنوی، اعم از کلیات و جزئیات، صرفاً بر آموزه‌های قدسی قرآن کریم استوار خواهد بود. البته کم و کیف مواجهه با دیدگاه اکثری در عصر غیبت، نیاز به توضیح خاص خود دارد که باید در جای خود به آن پرداخت. این مقاله فعلاً در صدد بررسی مقام ثبوت، و فارغ از اوضاع خاص، مانند عصر غیبت یا حضور است.

یک پیشنهاد پژوهشی

از آن جا که یکی از راه‌های دست‌یابی به «گستره معرفتی قرآن کریم»، مراجعه به آرا و دیدگاه صاحب‌نظران برجسته قرآن‌پژوه و قرآن‌شناس است، شایسته و بلکه بایسته است در قالب یک طرح پژوهشی کلان، دیدگاه تمام دانشمندانی که در این زمینه به بحث و اظهار نظر پرداخته‌اند، گردآوری و دسته‌بندی شود. اما از آن جا که تحقق این امر نیازمند زمان و امکانات و بودجه خاص خود است، این مقاله صرفاً مسئول معرفی و مقایسه دیدگاه دو تن از

برجسته‌ترین صاحب‌نظران و مفسران معاصر، یعنی علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، درباره گستره معرفتی قرآن کریم می‌باشد.

چارچوب پژوهش حاضر

بحث درباره گستره معرفتی قرآن کریم را با عناوین مختلف، مانند «انتظارات بشر از دین» و «گستره رسالت دین» می‌توان طرح کرد و نیز می‌توان مواد این بحث را از منابع گوناگون، مانند کتاب، مقاله، رساله و پایان‌نامه استخراج نمود. اما از آن جا که،

۱. تمرکز این مقاله بر تفسیر مهم‌ترین آیه از آیات قرآن کریم درباره گستره معرفتی قرآن کریم، یعنی آیه آیه شریفه *و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء* (نحل، ۹۶) است؛
۲. منابع تفسیری و دیدگاه‌های مفسران درباره آیه، خود، یک کار مستقل و مفصل پژوهشی است؛

۳. حجم مقاله بر اساس راهنمای نگارش مقالات علمی-پژوهشی نباید بیش از ۷۵۰۰ کلمه باشد؛

لذا در پیشینه بحث، صرفاً به منابع تفسیری (۱۰۶ منبع شیعی و سنی) توجه شده است.

پیشینه بحث

اگر پیشینه بحث درباره «گستره معرفتی قرآن کریم» را از طریق تفاسیر و ذیل آیه شریفه *و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء* پی بگیریم، می‌توان گفت، از مجموع ۱۰۶ تفسیری که مطالعه و فیش‌برداری شده، تعداد اندکی به گستره معرفتی قرآن کریم حساسیت نشان داده و بر این بحث تمرکز کرده‌اند. مثلاً اگر تفسیر مقاتل (قرن ۲ و ۱ هجری) را مبنا قرار دهیم، در تفسیر «کل شیء» کم‌تر از نیم سطر مطلب دارد و آن را صرفاً ناظر به «اوامر» و «نواهی» و «وعده‌ها» و «وعیدها» و «اخبار امت‌های پیشین» می‌داند. جالب این که در برخی تفاسیر، حتی اشاره‌ای هم به تفسیر «کل شیء» نشده است.^۱

تفسیر «بحر العلوم»، نخستین تفسیری است که در طول چهار قرن اول درباره «کل شیء» حساسیت نشان داده است. این تفسیر به حدیثی از حضرت علی (ع) استناد کرده که

۱. مانند، «مجاز القرآن» (قرن دوم و سوم)، «تفسیر قمی» (قرن سوم و چهارم) و «اعراب القرآن» (قرن چهارم).

می فرماید: «کل شیء علمه فی الكتاب؛ إلا أن آراء الرجال تعجز عنه» (سمرقندی، بی تا، ص ۲۸۷). در همین قرن، مفسری شیعی در تفسیر خود ذیل آیه آیه شریفه * وکتبنا له فی الألواح من کل شیء* به حدیثی از امام باقر (ع) استناد کرده که می فرماید: «ما بعث الله نبياً إلا أعطاه من العلم بعضه ما خلا النبي (ص) فإنه أعطاه من العلم كله» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ۱۴۵). طبری نیز «کل شیء» را به حلال و حرام و ثواب و عقاب مقید کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۴، ۱۰۸). اما عیاشی بر حدیثی از امام صادق (ع) تکیه کرده که می فرماید: «إنی لأعلم خبر السماء و خبر الأرض و خبر ما کان و خبر ما هو کائن کأنه فی کفی»؛ اما وقتی با تعجب مخاطب مواجه می شود، با استناد به آیه آیه شریفه * و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء* می گوید: «من تمام این حقایق را از قرآن کریم استفاده می کنم» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲/۲۶۶). ولی شیخ طوسی، سورآبادی، ثعلبی، طبرسی، ابن جوزی، زمخسری و دیگران تا قرن هشتم، «کل شیء» را مانند اکثر مفسران، مقید به «امور دینی به معنای خاص» کرده اند^۱ الا این که ابن کثیر در قرن هشتم، با استناد به قول ابن مسعود، «کل شیء» را اعم از امور دینی (به معنای خاص) تفسیر کرده و معتقد است که «کل شیء»، شامل همه علوم مورد نیاز انسان، اعم از امور مربوط به معاش و معاد و دنیا و آخرت می شود (تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹ق، ۴/۵۱۰). نیز سیوطی در قرن دهم از قول ابن عباس می گوید: «من أراد العلم فلیثور القرآن فان فیہ علم الأولین و الآخِرین» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۴/۱۲۷). فیض کاشانی نیز با استناد به حدیثی از امام صادق (ع)، اعتقاد دارد منظور از «کل شیء»، کل حقیقی است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۵۱)

در کل، مجموع مفسران را می توان به سه گروه تقسیم کرد:

گروه نخست، کسانی که در تفسیر «کل شیء» سکوت کرده اند؛ مانند، «ابوعبیده معمر بن مثنی» (قرن دوم و سوم) در مجاز القرآن؛ و «علی بن ابراهیم قمی» (قرن سوم و چهارم) در تفسیر قمی؛ و «نحاس ابوجعفر احمد بن محمد» (قرن چهارم) در اعراب القرآن؛ گروه دوم، کسانی که «کل» را در «کل شیء»، «حقیقی» نمی دانند و معتقدند «اضافی» است. لذا «کل شیء» را به «امور دینی به معنای خاص» مقید کرده اند؛ مانند «شیخ طوسی» و «علامه طباطبایی»، «آیت الله مکارم» و اکثر مفسران؛

۱. طوسی، بی تا، ۶، ۴۱۷. سورآبادی، ۱۳۸۰ش، ۲، ۱۳۱۲. ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۶، ۳۷. طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۶، ۵۸۶. ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۲، ۵۷۸.

گروه سوم، کسانی مانند امام خمینی،^۱ آیت‌الله حسن‌زاده آملی^۲ و آیت‌الله جوادی آملی،^۳ «کل» را حقیقی دانسته، معتقدند: از آن جایی که قرآن کریم تجلی علمی حضرت علیم علی‌الاطلاق است، اولاً نیاز بشر به هدایت الهی، اعم از امور اخروی و معنوی است و شامل امور مادی و دنیوی نیز می‌شود؛ ثانیاً حاوی تمامی علوم و معارف مورد نیاز بشر است مگر این که اهلش می‌توانند از این اقیانوس موج و عمیق بهره‌مند شوند. از طرفی، چون «اهلیت» امری ذومراتب است، لذا میزان بهره‌مندی «اهل» نیز تشکیکی خواهد بود؛ پس «اهالی قرآن کریم»، یک مجموعه گسترده را تشکیل می‌دهند که در یک سر آن «اهل بیت عصمت و طهارت» قرار دارند که می‌توانند مانند امام صادق (ع) بفرمایند همه حقایق عالم را مانند کف دست خود می‌شناسیم و این معرفت را نیز به قرآن کریم مستند کنند و در میانه و سر دیگر این مجموعه، علمایی هستند که به میزان درک و معرفت و طهارت باطن خود از معارف و حقایق قرآن کریم بهره‌مند می‌شوند.

درباره پیشینه بحث، علاوه بر دیدگاه مفسران، آثار دیگری نیز وجود دارد که برای رعایت اختصار صرفاً به دو نمونه اشاره می‌شود:

۱. مهندس بازرگان در اواخر عمر خود به این جمع‌بندی رسید که رسالت اصلی دین، «خدا» و «آخرت» است؛ لذا اگر در ضمن آموزه‌های دینی مباحث دنیوی هم هست - که هست - فرعی است. (بازرگان، مجموعه آثار، ۱۳۸۷، ۱۷/۳۲۳)

۲. دکتر سروش نیز مدعی است رسالت دین منحصر در امور اعتقادی و اخلاقی است نه علوم طبیعی و حتی انسانی و اجتماعی. (سروش، ۱۳۷۷، ص ۴)

به هر حال، با توجه به پیشینه بحث از آغاز تا امروز و مباحثی که امروزه در میان قرآن‌پژوهان و مفسران وجود دارد، پرونده بحث درباره گستره معرفتی قرآن کریم هنوز باز

۱. امام خمینی (ره) می‌فرماید، «کتاب یعنی قرآن «تبیان کل شیء» است؛ [یعنی] روشنگر همه چیز و همه امور است. امام سوگند یاد می‌کند - طبق روایات - که تمام آنچه ملت احتیاج دارد در کتاب و سنت هست؛ و در این شکی نیست؛ ... [ولی] اهلش می‌دانند». (اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی، ۶ و ۷).

۲. آیت‌الله حسن‌زاده آملی می‌فرماید، کلمه مبارکه «کل شیء» که انکر نکراتست؛ چیزی را فروگذار نکرده است. پس، چیزی نیست که قرآن تبیان آن نباشد. ولی قرآن در دست انسان زبان فهم، تبیان کل شیء و زبان کلمات‌الله بی انتها است. (انسان و قرآن، ۱۳۸۱، ۹)

۳. دیدگاه تفصیلی آیت‌الله جوادی آملی درباره گستره معرفتی قرآن کریم در همین مقاله ارائه شده است.

است. اما از آن جا که آشنایی با دیدگاه تفصیلی هر یک از مفسران درباره گستره معرفتی قرآن کریم، به مقاله‌ای مستقل نیاز دارد، در این مقاله صرفاً با دیدگاه دو تن از شخصیت‌های برجسته و مشاهیر قرآنی به صورت تطبیقی آشنا می‌شویم.

الف) دیدگاه علامه طباطبایی

تفسیر شریف المیزان، بهترین منبع برای آشنا شدن با دیدگاه علامه طباطبایی درباره گستره معرفتی قرآن کریم است. مرحوم علامه در بخش‌های گوناگون المیزان، نکاتی را در این زمینه مطرح کرده است؛ اما دیدگاه اصلی و نهایی او را باید در سوره مبارک نحل، ذیل آیه شریفه ۹۶ جست. قبل از پرداختن به دیدگاه اصلی و نهایی ایشان، مروری بر سایر مطالب مرتبط ایشان در بخش‌های گوناگون المیزان مفید است.

نخستین جایی که علامه طباطبایی درباره گستره معرفتی قرآن کریم به بحث پرداخته، ذیل آیه شریفه *وإن كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائكم من دون الله إن كنتم صادقين* (بقره: ۲۲) است. ایشان در ادامه تفسیر آیه مذکور، بحثی را با عنوان تحدی علمی قرآن مطرح کرده، می‌فرماید:

«قرآن کریم حاوی معارف الهی اعم از معارف «فلسفی» و «اخلاقی» و «قوانین دینی فرعی» اعم از «عبادات» و «معاملات» و «سیاسات» و «اجتماعیات» و هر آن چه که مربوط به «فعل انسان» باشد؛ می‌باشد». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۶۲)

نکته دیگر قابل استفاده از این سخن این است که قرآن کریم حاوی «کلیات» آموزه‌هاست و خداوند متعال بر اساس آیه شریفه *ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا* (حشر: ۷)، ذکر «جزئیات» را به پیامبر اکرم (ص) واگذار کرده است.

آیه شریفه *لا رطب و لا یابس إلا فی کتاب مبین* (انعام: ۵۹)، آیه دیگری است که می‌تواند در زمینه گستره معرفتی قرآن کریم مورد بحث قرار گیرد. اما علامه از این آیه برای بحث درباره گستره معرفتی قرآن کریم استفاده نکرده؛ زیرا معتقد است، کتاب مبین به تصریح «لا رطب و لا یابس»، کتابی است که حاوی همه حقایق از ازل تا ابد است و چنین کتابی نمی‌تواند از جنس «الواح و اوراق جسمانی» باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۷/۱۲۸)

ایشان در تفسیر آیه شریفه *و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء* می‌فرماید که منظور از «کل» در «کل شیء»، «کل حقیقی» نیست؛ بلکه «کل اضافی» است. به عبارت دیگر، «کل شیء» را که «مطلق» است «مقید» می‌کند: مقید به چه؟ مقید به «هدایت». اما مجوز و دلیل علامه برای افزودن این «قید» چیست؟ به گفته ایشان، از آن جا که قرآن کریم کتاب هدایت است، وقتی ادعا می‌کند: «من بیان‌گر همه چیز هستم»، لابد منظورش از «همه چیز»، «همه چیز هدایتی» است نه «همه چیز به صورت مطلق». شواهد قرآنی برای اثبات این که قرآن کریم کتاب هدایت است نه علوم گوناگون، عبارتند از:

- *شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ* (بقره: ۱۸۵)؛

- *قُلْ إِنَّمَا اتَّبَعْتُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ* (اعراف: ۲۰۳)؛

- *يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ* (يونس: ۵۷)؛

- *وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ* (نحل: ۶۴)؛

- *قُلْ تَرَاهُمْ رُوحَ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ* (نحل: ۱۰۲)؛

- *تلك آيات القرآن و کتاب مبین* هُدًى وَ بُشْرَىٰ لِّلْمُؤْمِنِينَ* (نمل، ۱ و ۲)؛

- *تلك آيات الكتاب الحكيم* هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ* (لقمان: ۳ و ۲)

بنابراین، با توجه به آیاتی که رسالت اصلی قرآن کریم را معرفی کرده، با قطعیت تمام می‌توان گفت: قرآن کریم کتاب هدایت است.^۱

علاوه بر مستندات قرآنی، عین عبارت علامه طباطبایی در ذیل آیه *و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء* چنین است:

«ذکروا أنه استئناف یصف القرآن بکرائم صفاته فصفته العامة أنه تبیان لکل شیء و التبیان و البیان واحد- کما قیل- و إذ کان کتاب هدایة لعامة الناس و ذلك شأنه کان الظاهر أن المراد بکل شیء کل ما یرجع إلى أمر الهدایة». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۲/۳۲۵)

^۱ البته با توجه به این نکته که، «اثبات شیء نفی ما عدل نمی‌کند» می‌توان گفت، «هدایتی» بودن قرآن کریم نافی «علمی» بودنش نیست.

اما، پرسشی که می‌توان در برابر نظریه ایشان قرار داد این است که گستره هدایت الهی تا کجاست؟ به عبارت دیگر، انسان در چه زمینه‌هایی به هدایت الهی نیاز دارد؟ یا به عبارت دیگر، از آن جا که «هدایت» مقوله‌ای تشکیکی و ذومراتب است، علامه طباطبایی طرف‌دار کدام یک از سه دیدگاه اقلی، اوسطی و اکثری در امر هدایت است؟

واقعیت این است که وقتی واژه «هدایت» در فضای کنونی جامعه - به ویژه جامعه دینی - به کار می‌رود، بیش‌تر ناظر به «نیازهای اعتقادی، معنوی، اخروی و عبادی به معنای خاص» است و اموری از این دست به ذهن «متبادر» می‌شود. به عبارت دیگر، پیش‌فرض ذهنی اکثر ما این است که نیازهای انسان بر دو نوع است:

۱. اموری که خود انسان در پرتو فهم متعارف و عقل و دانش بشری از پس آن برمی‌آید و نیازی به هدایت و راهنمایی الهی و قدسی و آسمانی و ماورایی نیست؛
۲. اموری که خارج از قدرت فهم عرفی و عقل و دانش بشری است و لازم است خداوند متعال بر اساس قاعده لطف ما را هدایت کند.

از مجموعه سخنان علامه طباطبایی نیز می‌توان همین پاسخ را استنباط کرد. علامه در ادامه تفسیر آیه *وَ تَرَلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَیْءٍ* پس از آن که «کل شیء» را مقید به «هدایت» می‌نماید، مصادیق هدایت را نیز در امور پنجگانه عقاید، اخلاق، احکام، قصص و مواعظ منحصر می‌کند:

«كان الظاهر أن المراد بكل شيء كل ما يرجع إلى أمر الهداية مما يحتاج إليه الناس في اهتدائهم من المعارف الحقيقية المتعلقة بالمبدأ والمعاد والأخلاق الفاضلة والشرائع الإلهية و التخصص و المواعظ فهو تبیان لذلك كله». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳۲۴/۱۲-۳۲۵)

تکمله دیدگاه علامه طباطبایی درباره گستره معرفتی قرآن کریم

علامه طباطبایی پس از توضیح و تبیین دیدگاه قرآنی خود درباره گستره معرفتی قرآن کریم، با ذکر احادیثی چون: «فیه بدء الخلق و ما هو کائن إلى یوم القیامة و فیه خبر السماء و خبر الأرض و خبر النار و خبر ما کان و خبر ما هو کائن»، ضمن تشکیک در صحت این احادیث، می‌فرماید:

« اگر این احادیث صحیح باشد، لازمه آن این است که از «دلالته لفظی» به‌نوعی دیگر از دلالت که خارج از فهم متعارف است و می‌تواند کاشف اسرار باشد ملتزم شویم». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳۲۵/۱۲)

بنابراین علامه به صورت مطلق، نافی اطلاق گستره معرفتی قرآن کریم نیست؛ اما بهره‌برداری از این ظرفیت معرفتی را البته پس از بررسی صحت احادیث، خارج از توان و

ظرفیت «فهم متعارف» و «دلالت لفظی» دانسته و آن را مشروط به پذیرش «نوع خاصی از دلالت» کرده که در پرتو آن می‌توان تمام اسرار معرفتی آیات را درک کرد:

«في الروايات ما يدل على أن القرآن فيه علم ما كان وما يكون وما هو كائن إلى يوم القيامة، و لو صحت الروايات لكان من اللازم أن يكون، المراد بالثبوت، الأعم مما يكون من طريق الدلالة اللفظية. فلهذا هناك إشارات من غير طريق الدلالة اللفظية تكشف عن أسرار و خبايا لا سبيل للفهم المتعارف إليها». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۲/۳۲۵)

خلاصه و جمع‌بندی دیدگاه علامه طباطبایی

در یک نگاه کلی می‌توان دیدگاه علامه طباطبایی را درباره گستره معرفتی قرآن کریم به صورت زیر خلاصه و جمع‌بندی کرد:

۱. از آن جا که قرآن کریم بر اساس اظهارات خودش یک کتاب هدایتی است، لذا مجموعه آموزه‌های آن در جهت امور هدایتی است؛^۱
۲. علاوه بر آن که واژه هدایت، ظهور در امور «ماورایی، معنوی، اخروی، اعتقادی، اخلاقی و عبادی به معنای خاص دارد، از بررسی آیات قرآن کریم نیز می‌توان به این نکته پی برد که منظور از هدایت در قرآن کریم، تکیه و تمرکز بر امور پنجگانه «عقاید»، «اخلاق»، «احکام»، «قصص» و «موعظ» است؛
۳. گرچه احادیثی وجود دارد که در آن‌ها ادعا شده «گستره معرفتی قرآن کریم» بسیار فراتر از امور هدایتی به معنای متعارف و مذکور است و شامل همه حقایق و اخبار عالم، اعم از گذشته و حال و آینده است، در مورد این احادیث دو نکته قابل تأمل است: یکی صحت و سقم این احادیث نیاز به بررسی دارد و دوم درک و فهم معنا و مراد این نوع آیات، فراتر از «فهم متعارف» و «دلالت لفظی» است.

بحث درباره دیدگاه علامه طباطبایی در مورد «گستره معرفتی قرآن کریم» با طرح سه پرسش به پایان می‌بریم:

۱. به فرض صحت احادیث مذکور، منظور از «دلالت غیرمتعارف» و «دلالت غیرلفظی»

^۱. تکرار و تأکید می‌شود، «اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند»؛ ولی فعلاً داریم نظر و نظریه مرحوم علامه را تقریر می‌کنیم و هنوز به نقد آن نپرداخته‌ایم.

چيست؟ آیا منظور دو نوع ديگر دلالت، يعنی «دلالت عقلي» و «دلالت طبعی» است که در علم منطق مطرح است يا نوع خاصی از دلالت است که مورد نظر علامه بوده ولی در این جا به آن نپرداخته است؟

۲. آیا استفاده از تکنیک و روش دلالت غیر متعارف و دلالت غیر لفظی مورد نظر علامه از اختصاصات و انحصارات معصوم (ع) است يا غیر معصوم نیز می تواند دست کم، به درجاتی از این نوع فهم و دلالت دست یابد و از این نوع معارف قرآنی نیز بهره مند شود؟
۳. به فرض که استفاده از تکنیک دلالت غیر متعارف و دلالت غیر لفظی از انحصارات معصوم (ع) نباشد و دیگران نیز بتوانند دست کم، به درجاتی از این نوع فهم دست یابند، چگونه می توان به این تکنیک و دلالت دست یافت؟
پاسخ این سه پرسش از منظر علامه طباطبایی نیاز به پژوهش و مقاله ای مستقل دارد.

ب) دیدگاه آیت الله جوادی آملی درباره گستره معرفتی قرآن کریم

آیت الله جوادی آملی نیز در تفسیر شریفه* و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء* مانند استادش علامه طباطبایی، قرآن کریم را کتاب هدایت می داند:
«قرآن کریم در آیات فراوانی حکمت نزولش را هدایت عمومی مردم به راه راست، یعنی رسیدن به کمال سعادت دنیایی و آخرتی می داند (*شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس*)». (جوادی، ۱۳۹۷، ۴۷/۲۱۰)

اما برخلاف استاد، معتقد است که هدایت، منحصر در امور پنج گانه مذکور (المعارف الحقیقیة المتعلقة بالمبدء و المعاد و الأخلاق الفاضلة و الشرائع الإلهية و القصص و المواعظ) نیست و شامل علوم دیگر، از جمله علوم طبیعی نیز می شود. (جوادی، ۱۳۹۷، ۴۷/۲۱۳-۲۱۵)
ایشان بحث خود را در تفسیر «کل شیء» در آیه شریفه* و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء*، اینگونه آغاز می کند که آیا قرآن کریم برای تعلیم علوم هم آمده است یا نه؟
پاسخ ایشان به این پرسش مثبت است. اما به چه دلیل؟ چرا قرآن کریم که کتاب هدایت است، معلم سایر علوم، از جمله «علوم طبیعی» هم می باشد؟

پاسخ آیت الله جوادی این است: هر علمی که در «هدایت» و «سعادت» و «رشد» بشر دخیل باشد، مشمول «کل شیء» در آیه شریفه* و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء* است.
(جوادی، ۱۳۹۷، ۴۷/۲۱۷)

خلاصه، آیت‌الله جوادی برخلاف علامه طباطبائی، معتقد است که هدایت منحصر در امور پنجگانه‌ای چون: عقاید، اخلاق، احکام، قصص و مواعظ نیست و شامل سایر علوم، از جمله علوم طبیعی هم می‌شود؛ زیرا، «همه علوم، فنون و معارف در سعادت بشر سهم دارند». (جوادی، ۱۳۹۷، ۴۷/۲۱۷)

روش استنباط علوم طبیعی از قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی آملی

اگر بر اساس مبنای آیت‌الله جوادی آملی، بپذیریم که گستره هدایت قرآنی اعم از معارف هدایتی متعارف و مشهور است و شامل سایر علوم، از جمله علوم طبیعی هم می‌شود، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چه مقدار از این علوم در قرآن کریم آمده است؟ پاسخ استاد به این پرسش، متفاوت است؛ در برخی موارد، ممکن است فقط یک آیه درباره رشته‌ای خاص ذکر شده باشد؛ چنان که در برخی موارد دیگر، ممکن است با چند آیه مواجه باشیم.

در این جا پرسش دیگری مطرح می‌شود: مگر با یک یا چند آیه می‌توان یک رشته علمی خاص را استنباط و ارایه کرد؟

پاسخ حضرت آیت‌الله این است: همان طور که بحث برائت که یکی از مباحث مهم و مفصل علم اصول است مستند به آیه شریفه «مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء: ۱۵) می‌باشد، در زمینه سایر علوم و علوم طبیعی نیز می‌توان با محور قرار دادن یک یا چند آیه، و در پرتو کاوش عقلی، اعم از عقل تجربی و تجربیدی، به بسط و تفصیل پرداخت و علم خاصی را تولید کرد. ایشان برای این ادعا و راهکار خود (استخراج یک رشته علمی از یک آیه یا حدیث)، نمونه‌ای ارایه نداده‌اند؛ اما برای مواردی که با آیات گوناگون، حول یک موضوع، مانند «زمین‌شناسی»، «کیهان‌شناسی»، «گازشناسی» و امثال آن مواجهیم، دو مثال و نمونه (کیهان‌شناسی و پیدایی باران) آورده‌اند که با یک نمونه آن (کیهان‌شناسی) آشنا می‌شویم. عین عبارت ایشان چنین است:

«همان گونه که درباره برائت نقلی، استصحاب و ... آیه و روایت هست و در مورد آن‌ها بحث‌های عمیق اصولی انجام شده و در پرتو فهم عقل، فروع فراوانی به دست آمده است که هیچ‌یک از آن‌ها در خود آن آیات و روایات نیست، درباره کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی،

روان‌شناسی، فیزیک، شیمی، و علوم و فنون روز دیگر، ده‌ها آیه و روایت داریم که اگر روش‌مندانه و مجتهدانه و دقیق و با عقل، ارزیابی گردند، هر یک کتاب و جزوه‌ای علمی می‌شود و فروعی به کمک عقل به دست می‌آیند». (جوادی، ۱۳۹۷، ۴۷/۲۱۷-۲۱۸)

مثال عینی چارچوب نظری ایشان درباره کیهان‌شناسی، این است که خدای سبحان مرحله به مرحله آفرینش آسمان‌ها و زمین را شرح داده است:

۱. حق بودن اصل آفرینش، *خلق السماوات و الأرض بالحق* (نحل، ۳ و انعام، ۷۳)؛
۲. بازگشایی مجموعه آسمان‌ها و زمین (آسمان‌های هفت‌گانه، کهکشان‌ها، کهکشان راه شیری، ستاره‌ها و سیارات، منظومه شمسی، کره زمین و حرکت‌های وضعی و انتقالی آن) زیرا آسمان‌ها و زمین بسته بودند و خدا آن‌ها را با انفجار باز کرده و به آن‌ها تولدی دیگر داده، *أو لم یر الذین کفروا أن السماوات و الأرض کانتا رتقاً ففتقناهما* (انبیاء: ۳۰)؛ مجموعه‌ای که حسابشان بالاتر از میلیاردی است و در هر فرصت مناسبی ستاره‌ها، سیاره‌ها و قمرها از آن تولید می‌شوند.

۳. پس از بازشدن، آسمان‌ها را هفت طبقه قرار داد، *الذی خلق سبع سماوات طباقاً* (ملک: ۳). پس چنین نیست که آسمان‌ها در عرض هم باشند؛ بلکه در طول همدند؛ آن‌گاه آسمان نخست را - که نزدیک‌ترین آن‌هاست - به ستاره‌های گوناگون زینت داد: *إنا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب* (صافات: ۶)؛ *زینا السماء الدنیا بمصابیح* (فصلت: ۱۲). اما آسمان‌های دیگر در دسترس نیستند؛ نه با چشم مسلح دیده می‌شوند نه با چشم غیرمسلح: *فلا اقسم بما تبصرون و ما لاتبصرون* (حاقه: ۳۸ و ۳۹)

۴. زمان بازشدن مجموعه بسته شش روز است: *خلق السماوات و الأرض فی ستة ایام* (اعراف: ۵۴)؛ *الذی خلق السماوات و الأرض و ما بینهما بی ستة ایام* (فرقان: ۵۹)
۵. خدای سبحان چگونگی شکل‌گیری آسمان و زمین را چنین بازگو می‌کند که آفرینش و گستراندن کره زمین در دو روز بود: *خلق الارض فی یومین* (فصلت: ۹)؛ *و الارض بعد ذلک دحیها* (نازعات: ۳۰)؛ و آفرینش و پردازش آسمان‌ها نیز در دو روز: *ثم

۱. مراد از «ایام»، تطورات و دوره‌هایی است که هر یک چندین میلیون سال طول میکشد؛ نه «یوم = روز» در برابر شب یا شبانه‌روز یا روزگار. زیرا، هنوز از خورشید و ماه و حرکت‌های وضعی و انتقالی زمین خبری نبود تا روز، شب، ماه و سالی باشد. (تسنیم، ۴۷، ۲۱۹، پاورقی)

استوی إلى السماء و هي دخان ... * ففضيهن سبع سموات في يومين* (فصلت: ۱۱ و ۱۲). آسمان‌ها به صورت دود و گاز بودند و خدا آن مواد گازی را به صورت طبقات هفتگانه، خورشید، ماه، ستارگان، و سیاراتی زیبا و شگفت‌انگیز در آورد و در پایان عمر جهان نیز برای بازرسی و ارزیابی عقاید و اعمال انسان‌ها دوباره همه آن‌ها را شبیه حالت نخستین (دود و گاز) می‌کند: *إذا الشمس كورت* و إذا النجوم انكدرت* (تکویر: ۲۱ و ۲۰)؛ *يوم تبدل الأرض غير الأرض* (ابراهیم، ۴۸)؛ *السموات مطويات بيمينه* (زمر، ۶۷)

۶. موجودات میان آسمان‌ها و زمین را نیز در دو روز آفرید؛ چون چهار روز برای آفرینش زمین و آسمان‌ها بود و باقی‌مانده برای موجودات میان زمین و آسمان است: *ومن آياته خلق السماوات والأرض وما بث فيهما من دابة* (شوری: ۲۹). تأمین روزی‌های مردم نیز در چهار فصل مقدر شده است: *قدر فيها اقواتها في اربعة ايام* (فصلت: ۱۰) این مجموعه آیات، گام به گام آسمان‌شناسی، زمین‌شناسی و بسیاری از مسائل فیزیک و شیمی را بیش‌تر از مسائل اصولی بیان کرده که در هدایت، رشد، تشویق و تحقیق بشر نقش دارند». (جوادی، ۱۳۹۷، ۴۷/۲۱۸-۲۲۱)

پس همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، آیت‌الله جوادی آملی گستره معرفتی قرآن کریم را اعم از امور پنجگانه‌ای می‌داند که علامه طباطبایی ذکر کرده و معتقد است که شامل سایر علوم، از جمله علوم طبیعی هم می‌شود.

نقد و نظر (تأیید و تقویت نظریه آیت‌الله جوادی آملی در برابر نظریه علامه طباطبایی با توسل به نظریه سیستم‌ها و احادیث مربوطه)

هر چند اکثر قرآن‌پژوهان و مفسران و علما، در طول تاریخ، طرف‌دار مبنا و نظریه علامه طباطبایی (ره) بوده‌اند، بنابه دلایلی چند، از جمله تئوری سیستم‌ها^۱ و احادیث مربوطه می‌توان مؤید دیدگاه و نظریه آیت‌الله جوادی آملی بود. توضیح این‌که به دو صورت می‌توان به هستی و محتوای آن نگریست: سیستمی و غیرسیستمی. در نگرش سیستمی، «دنیا و آخرت»، «ماده و معنا» و «جسم و جان»، دو خرده‌سیستم از کلان سیستم هستی هستند که

۱. تعریف سیستم، سیستم مجموعه‌ای از اجزای مرتبط و هم‌آهنگ است که برای دستیابی به هدفی مشخص و معین با یکدیگر همکاری میکنند. (اقتباس از مختاری، ۱۳۹۴، ۱۳)

مانند شبکه‌ای درهم تنیده دارای ارتباط نزدیک و تفکیک‌ناپذیرند؛ به گونه‌ای که هر تحوّل کوچک یا بزرگ در هر یک از خرده‌سیستم‌ها موجب تأثیر بر خرده‌سیستم دیگر می‌شود؛ چنان که در حدیث شریفی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «الدنيا منزرعة الآخرة». (ورام، ۱۴۱۰ق، ۱/۱۸۳)

البته این رابطه نزدیک و سیستمی، منحصر به دنیا و آخرت نیست؛ جسم و جان نیز به‌عنوان دو خرده‌سیستم از کلان‌سیستم انسان همین گونه‌اند؛ چنان که خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به ملائکه می‌فرماید: *فاذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين* (حجر: ۳۹). بنابراین، روح در دامان جسم پرورش می‌یابد و از آن بستر، تأثیر می‌پذیرد. و دقیقاً به خاطر همین ارتباط نزدیک میان جسم و جان است که در بسیاری از آموزه‌های بلند دین مبین اسلام، دستوراتی درباره مقدمات و شرایط انعقاد نطفه صادر شده است.

پس اگر دنیا و آخرت، و جسم و جان بر اساس یک طرح کلان سیستمی طراحی شده‌اند، مکتبی که مدعی سعادت انسان است، نمی‌تواند و نباید نسبت به امور مادی و دنیوی ساکت باشد؛ زیرا لازمه سکوت در این زمینه، واگذاری کانون تدبیر جسم و دنیا به منبع و مرجعی است که فاقد دانش سیستمی لازم نسبت به کلان سیستم دنیا و آخرت، و جسم و جان است و چون جان و آخرت، از جسم و دنیا تأثیر می‌پذیرند، هر نوع تدبیر نادرست در حوزه جسم و دنیا (بعد مادی هستی) تأثیر مستقیم بر حوزه جان و آخرت (بعد معنوی هستی) خواهد داشت و بی‌شک خداوند دانای مهربان توانا، راضی به چنین سوءتدبیر و سوء آخرتی برای بندگان خود نیست. پس نظریه دین اقلی به هیچ وجه با ضرورت‌های علمی نظام خلقت و آفرینش (یعنی ضرورت تفکر سیستمی) سازگار نیست.

ممکن است طرف‌داران نظریه اوسطی بگویند: بله، یک دین کامل الهی نمی‌تواند نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان، ساکت و بی‌اعتنا باشد؛ اما هیچ ضرورتی ندارد که شارع مقدس به صورت کاملاً مفصل و جزئی وارد این حوزه بشود؛ زیرا کافی است با ارایه یک سلسله رهنمودهای کلی، جهت حرکت را تعیین کند و پیگیری جزئیات را به قوای ادراکی خود انسان واگذار نماید.

در پاسخ به این شبهه نیز می‌توان گفت: تجربه تاریخی بشر در دو حوزه علم و تکنولوژی، حاکی از آن است که به علت پیچیدگی بسیار گسترده و عمیق هستی و نیز به خاطر نقص شدید دانش بشری، به هیچ وجه نمی‌توان در هدایت بعد مادی انسان‌ها و جوامع، تنها به کلی‌گویی‌های دینی اکتفا کرد. نگاهی به پرونده قطور آسیب‌های فاحش زیست‌محیطی، از قبیل سوراخ شدن لایه ازن، آلودگی هوای شهرها، آلوده شدن زمین‌های کشاورزی، آلوده شدن منابع آبی، و ... حاکی از فقر علمی انسان هزاره سوم در عصر علم و تکنولوژی است؛ عصری که ظاهراً برجسته‌ترین نقطه سیر تکامل معرفتی انسان در طول تاریخ حیاتش تا به امروز است.

وجود مجموعه نابه‌سامانی‌های زیست‌محیطی و غیرزیست‌محیطی از قبیل جنون گاوی، سرطان، ایدز، و امروزه کرونا، شاهدی صادق بر بطلان نظریه خودکفایی علمی انسان، و حجتی استوار بر نیاز شدید او به وحی و منبعی مافوق بشری حتی در ابتدایی‌ترین نیازهاست. بنابراین، نه دین اقلی و نه دین اوسطی، هیچ‌یک به هیچ وجه نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای بشری و تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی او باشند. پس چاره‌ای جز گزینه سوم، یعنی رهیافت دین‌اکثری نیست. در این جا تنها یک پرسش بسیار کلیدی و اساسی باقی می‌ماند: این که به راستی اگر چنین است و هیچ‌گریز و گزیری جز رهیافت دین‌اکثری نیست؛ پس چرا دین مبین اسلام که مدعی پاسخ به همه نیازهای مادی و معنوی است؛ درباره بسیاری از نیازهای مادی و دنیوی انسان‌ها و جوامع ساکت است؟

پاسخ این پرسش را باید در برداشت و تعریف نادرست از دین جست که توضیح آن در پی می‌آید. واقعیت این است که متأسفانه هنوز بسیاری از ما درک درستی از حقیقت دین نداریم. شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

«دین مانند آبی است که در سرچشمه صاف است؛ بعد که در بستر قرار می‌گیرد، آلودگی پیدا می‌کند» (مطهری، ۱۳۸۴، ۲۱/۲۴۷). «تفکر ما درباره دین غلط است غلط؛ و فکر دینی ما باید اصلاح شود» (مطهری، ۱۳۸۴، ۲۵/۵۰۳).

و نیز درباره گستره این آلودگی و حجم نادرستی تفکر دینی می‌فرماید:

«تمام دستورهای اصولی اسلام در فکر ما همه تغییر شکل داده است ... به جرأت می‌گویم، از چهار تا مسأله فروع، آن هم در عبادات، چند تایی هم از معاملات، از این‌ها که بگذریم دیگر فکر درستی درباره دین نداریم». (همان).

با کمال تأسف باید گفت: یکی از آن اشتباهات فاحش، تلقی و برداشت و تعریف ما از حقیقت دین یا مقومات دین است. فکر رایج و غلطی که درباره دین وجود دارد، این است که دین یعنی مجموعه آیات و احادیثی که در اختیار داریم؛ در حالی که این، تنها بخشی از حقیقت دین است و غفلت از بخش دیگر، یعنی ضرورت وجود امام معصوم و زنده به‌عنوان مفسر و مبین کتاب و سنت، سبب شده تا این بخش نیز اثربخشی خود را تا حدود زیادی از دست بدهد. توضیح این که قرآن کریم به‌عنوان یک کتاب مرجع (Text Book) در خدمت همه نیازهای علمی انسان است؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: * وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ * (نحل: ۸۹). مگر این که کم و کیف استفاده از این منبع معرفتی جامع و کامل - که تجلی علمی حضرت علیم علی‌الاطلاق است - تابعی از متغیر میزان درک و فهم مخاطب است؛ لذا فهم قرآن کریم مانند خود هستی، یک امر کاملاً تشکیکی و ذومراتب است؛ چنان که در حدیثی از قول پیامبر اکرم (ص) آمده است: «إِنَّ لِقُرْآنَ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ». (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ۴/۱۰۷)

کف این فهم در اختیار توده مردم است: «هدی للناس» و میانه‌اش در اختیار «علما و دانشمندان و مجتهدان و فقها»؛ و سقف آن در اختیار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) که مخاطب اصلی و «من خوطب به» هستند. پس کسانی که قادر نیستند از کتابی که تجلی علمی حضرت علیم علی‌الاطلاق است برداشت حداکثری داشته باشند، از نظر علمی و منطقی حق ندارند محدودیت ادراکی خود را به این منبع لایزال علم و معرفت الهی تسری دهند و بگویند قرآن کریم صرفاً کتاب هدایتی است نه علمی. البته در این جا چند پرسش بسیار مهم و بجا مطرح است که برای رعایت اختصار، تنها دو مورد از آن‌ها مطرح و پاسخ داده می‌شود:

پرسش نخست: با توجه به گستره و حجم عظیم علوم مورد نیاز بشریت، چگونه ممکن است آن همه معارف را در قالب یک کتاب چند صد صفحه‌ای به نام قرآن گنجاند؟!

پاسخ: به راستی اگر انسان (که خود مخلوقی بیش نیست) با استفاده از تکنیک خاصی (مثل آن چه در حوزه علوم رایانه‌ای مطرح است)، می‌تواند حجم عظیمی از اطلاعات را بر روی یک دیسک نوری یا انواع و اقسام هارد دیسک‌ها ذخیره کند، چرا خالق او قادر به انجام دادن کاری مشابه مخلوق خود نباشد؟

پرسش دوم: اگر همه نیازهای علمی انسان‌ها و جوامع، با استفاده از تکنیک خاصی در کتابی به نام قرآن کریم گنجانده شده، روش استفاده از آن چگونه است و چرا تاکنون کسی نتوانسته بر اساس نیازهای خود و جامعه از این منبع بزرگ معرفتی استفاده کند؟

پاسخ: خداوند متعال پاسخ این پرسش را به صورتی بسیار خلاصه، ولی عمیق در قرآن مجید بیان فرموده است: *إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ* فی کتاب مکنون* لایمسه الا المظهرون*. (واقعه: ۷۷ - ۷۹)

بنابراین، قرآن کریم این چشمه جوشان علم الهی، تنها در سرزمین وجود کسانی جاری می‌شود که دارای طهارت باطن باشند و چون طهارت، امری تشکیکی و ذومراتب است، هر کس به اندازه طهارت خود می‌تواند از این چشمه زلال معرفت ناب بهره‌مند شود. نیز چون وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین عین طهارت هستند، استفاده ایشان نیز به عنوان گل سرسبد آفرینش از این منبع لایزال حکمت الهی، تام و تمام است و دیگران باید برای استفاده هر چه بیش‌تر از قرآن کریم، همواره از جام معرفت آن بزرگواران بهره‌مند شوند. چنین است که ضرورت ثقلین و عدم افتراق آن‌ها از یکدیگر مطرح می‌شود؛ چنان که پیامبر اکرم فرمود:

«انی تارک فیکم ثقلین؛ ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی؛ احدهما أعظم من الآخر و هو کتاب الله، جبل ممدود من السماء الی الأرض؛ و عترتی، اهل بیتی، لن یفترقا حتی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فی عترتی». (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۰۸/۲۳)

نکته بسیار مهم در این حدیث شریف، نگرش سیستمی رسول گرامی اسلام به این دو گوهر گران‌بهاست؛ یعنی قرآن و عترت دو رکن جدانشدنی دین هستند و اگر جدا شوند، دیگر دین (به صورت کامل) باقی نمی‌ماند؛ نه این که قرآن چیزی است که به صورت مستقل می‌شود از آن به شکلی که شایسته آن است استفاده کرد و عترت چیز دیگری است که می‌تواند همراه قرآن باشد یا نباشد! به عبارت دیگر، قرآن کتاب هدایت بشر در تمامی امور

مورد نیاز او اعم از مادی و معنوی یا دنیوی و اخروی است؛ اما کسانی می‌توانند در این اقیانوس بی‌کران و ناپیداعمق، تمامی گوهرهای معرفت را مطابق با همه نیازهای بشری صید کنند که غواصان ماهری باشند؛ و آن غواصان ماهر کسانی جز اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین نیستند؛ چنان که در حدیث شریفی از امام باقر (ع) نیز آمده است: «إنما يعرف القرآن من خوطب به». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸/۳۱۱)

بله، دیگران نیز هر کس در حد استعدادش می‌تواند به این اقیانوس ژرف و خروشان معرفت نزدیک شود. اما بدیهی است که میزان بهره‌مندی چنین شناگران و غواصانی بسیار محدود خواهد بود. به عبارت دیگر، قرآن کریم که مانند یک کتاب مرجع است، استفاده کامل و جامع از آن نیاز به تخصص بسیار بالا، آن هم در حد عصمت دارد؛ چنان که امام خمینی (رض) در این باره می‌فرماید:

«قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. در کافی، فصلی است به‌عنوان «تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است» و کتاب یعنی قرآن «تبیان کل شیء» است، روشن‌گر همه چیز و همه امور است. امام سوگند یاد می‌کند - طبق روایات - که تمام آنچه ملت احتیاج دارد در کتاب و سنت هست و در این شکی نیست... [ولی] اهلش می‌دانند... اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد؛ و از هیچ نکته ولو ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن‌ها کوشیده است.» (امام خمینی، ۱۳۸۴، ص ۶-۷)

پس بر اساس چنین دیدگاهی است که می‌توان گفت: قرآن کریم کتاب علمی جامع و کاملی است که همه علوم و معارف مورد نیاز دنیوی و اخروی بشر را در خود گنجانده است. اما کلید این گنج معارف الهی در دستان پاک وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت، صلوات الله علیهم اجمعین، می‌باشد؛ چنان که وجود مقدس امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

«انّ الله تبارک و تعالی لم یدع شیئاً یحتاج الیه الامّة الا انزله فی کتابه و بینه لرسوله و...»

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۵۹)

باز وجود مقدسش در حدیثی دیگر می‌فرماید:

«اذا حدثکم بشیء فاسئلونی من کتاب الله». (کلینی، ۱/ ۶۰)

و نیز امام صادق (ع) می‌فرماید:

«انّ الله انزل فی القرآن تبیان کل شیء حتی والله ماترک الله شیئاً یحتاج الیه العباد حتی

لا یستطیع عبد یقول، لو کان هذا انزل فی القرآن! الا وقد انزل الله فیه». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۵۹)

خلاصه آن که قرآن کریم، یک کتاب جامع و کامل و خودبسنده معرفتی است؛ اما

بشرطها و شروطها، و ولایت مهم‌ترین شرط آن است؛ چنان که خداوند متعال فرمود: *الیوم

اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً*. (مائده: ۳)

نتیجه

علامه طباطبائی و بیش‌تر حوزویان، معتقدند که قرآن کریم یک کتاب دینی و هدایتی

است؛ لذا انتظارات معرفتی ما از این کتاب مقدس باید در چارچوب رسالت آن باشد. پس قرآن

کریم کتاب علوم پایه، فنی-مهندسی، پزشکی و امثال آن نیست. اما آیت‌الله جوادی آملی معتقد

است، هرچند قرآن کریم کتاب دین‌داری، هدایت و سعادت و رشد است، هدایت و سعادت و

رشد بشر منحصر در علوم متعارف حوزه‌ها نیست. هر علمی که به‌نوعی در هدایت و سعادت و

رشد بشر دخیل باشد، به ویژه علمی که قرآن کریم به آن‌ها اشاره کرده، جزئی از علوم قرآنی

است؛ یعنی همان‌طور که قرآن کریم کتاب «اصول فقه» نیست، ولی با تمسک به آیه شریفه «ما

کنا معذین حتی نبعث رسولاً» (اسراء: ۱۵) می‌توان علم مستقلی را با عنوان «برائت» تولید کرد، از

اشارات علمی قرآن کریم درباره علوم طبیعی نیز می‌توان در پرتو کاوش‌های عقلی، اعم از عقل

تجربیدی و تجربی، دانشی مشابه آن‌چه امروز در دانشگاه‌ها وجود دارد، تولید کرد. البته علامه

طباطبائی نیز با توجه به احادیثی که گستره معرفتی قرآن کریم را فراتر از علوم متعارف قرآنی

معرفی کرده، به نظریه آیت‌الله جوادی نزدیک می‌شوند؛ اما یک تفاوت اساسی میان این دو مفسر

بزرگ، مطرح می‌شود: مرحوم علامه درک و فهم علوم غیرمتعارف قرآنی (مانند ریاضیات،

فیزیک، شیمی و...) را از حوزه «فهم متعارف» خارج می‌داند؛ اما آیت‌الله جوادی، فهم و درک

علوم غیرمتعارف را از حوزه «فهم متعارف» خارج نمی‌شمارد؛ زیرا فهم متعارف منحصر در «دلالت لفظی» نیست و شامل «دلالت عقلی» هم می‌شود؛ یعنی همان طور که با استفاده از عقل و تحلیل‌های عقلی، می‌توان از اشارات قرآنی به علومی خاص مانند بحث «برائت» دست یافت، با همین روش می‌توان از سایر اشارات قرآنی به تولید علومی متناسب با آن اشارات رسید. مثلاً اگر در قرآن کریم آیاتی مرتبط با کیهان‌شناسی، اخترشناسی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و غیره هست، می‌توان با اجتهاد عقلی - اعم از عقل تجربیدی و تجربی - به دانش‌هایی چون: کیهان‌شناسی، اخترشناسی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و مانند آن دست یافت و از آن‌ها به‌عنوان زیرشاخه‌های علوم قرآنی و دینی یاد کرد. هرچند آیت‌الله جوادی آملی، برخلاف علامه، قایل به دیدگاه اکثری درباره گستره معرفتی قرآن کریم است، مبنای ایشان در کم و کیف بهره‌برداری از قرآن کریم و تولید علوم گوناگون مورد نیاز بشر، از جمله علوم طبیعی، قابل نقد و مناقشه است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
 ۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
 ۳. بازرگان، مهدی، مجموعه آثار، ج ۱۷، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
 ۴. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
 ۵. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۷.
 ۷. حسن زاده، حسن، انسان و قرآن (چاپ دوم)، قم: قیام، ۱۳۸۱.
 ۸. خمینی، روح الله، اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴.
 ۹. سروش، عبدالکریم، مجله کیان، شماره ۴۱، سال ۱۳۷۷.
 ۱۰. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، بی جا، بی تا.
 ۱۱. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.
 ۱۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
 ۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
 ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
 ۱۵. -----، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
 ۱۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
 ۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
 ۱۹. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
 ۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
 ۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.
 ۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 ۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 ۲۴. مختاری، قاسم، تفکر سیستمی (مبانی، ابزار و روش)، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۴.
 ۲۵. معمر بن مثنی، ابو عبیده، مجاز القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۳۸۱ق.

۲۶. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا، ۱۳۸۴.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۸. نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد، *اعراب القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۲۹. ورام ابن ابی فراس، *مجموعه ورام*، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.

Bibliography

The Noble Qur'an.

Other References

- 'Ayyāshi, Mohammad Ibn Mas'oud, *Ketāb al-Tafsir*, Tehran: 'Elmiyah, 1380 A.H.
- Balkhi, Maqātel Ibn Solaymān, *Tafsir Maqātel Ibn Solaymān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth, 1423 A.H.
- Bāzargān, Mahdi, *Majmou'e-ye Āthār*, Vol. 17, Tehran: Inteshār, 1387 S.H.
- Feyz Kāshāni, Mollā Mohsen, *Tafsir al-Sāfi*, Tehran: al-Sadr, 1415 A.H.
- Forāt Koufi, Abou al-Qāsem Forāt Ibn Ibrāhim, *Tafsir Forāt al-Koufi*, Tehran: Publication of the Islamic Guidance Ministry, 1410 A.H.
- Hasan Zādeh, Hasan, *Ensān va Qur'an (2nd ed.)*, Qom: Qiyām, 1381.
- Ibn Jozay, Abou al-Faraj 'Abd al-Rahmān Ibn 'Ali, *Zād al-Masir fi 'Elm al-Tafsir*, Beirut: Dār al-Ketāb al-Arabi, 1422 A.H.
- Ibn Kathir Dameshqi, Ismā'il Ibn 'Amrou, *Tafsir al-Qur'an al-'Azim*, Beirut: Dār al-Kotob al-Elmiyah, 1419 A.H.
- Javādi Āmoli, 'Abdollah, *Tasnim (Tafsir-e Qur'an-e Karim)*. Qom: Asrā', 1397 S.H.
- Khomayni, Rouh ol-Lāh, *Islām-e Nāb dar Kalām va Payām-e Imām Khomayni*, Tehran: The Institute for the Arrangement and Publication of Imām Khomayni's Works, 1384 S.H.
- Kolauni, Mohammad Ibn Ya'qoub, *al-Kāfi*, Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1407 A.H.
- Majlesi, Mohammad Bāqer, *Behār al-Anwār*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1403 A.H.
- Makārem Shirāzi, Nāser, *Tafsir-e Nemouneh*, Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1374 S.H.
- Mo'ammer Ibn Mothannā, Abou 'Obaydah, *Majāz al-Qur'an*, Cairo: al-Khānji, 1381 A.H.
- Mokhtāri, Qāsem, *Tafakkor-e Sistemi (Mabāni, Abzār va Ravesh)*, Qom: Qom University Publication, 1394 S.H.
- Motahhari, Morteza, *Majmou'eh-ye Āthār*, Tehran: Sadrā, 1384 S.H.
- Nohās, Abou Ja'far Ahmad Ibn Mohammad, *A'rāb al-Qur'an*, Beirut: Dār al-Kotob al-Elmiyah, 1421 A.H.
- Qomi, 'Ali Ibn Ibrāhim, *Tafsir-e Qomi*, Qom: Dār al-Ketāb.
- Samarqandi, Nasr Ibn Mohammad Ibn Ahmad, *Bahr al-'Oloum*, N.P, N.D.
- Soroush, 'Abd al-Karim, *Journal of Kiyān*, Issue 41, 1377.
- Sour Ābādi, Abou Bakr 'Atiq Ibn Mohammad, *Tafsir-e Sour Ābādi*, Tehran: Nashr-e Now, 1380 S.H.
- Soyouti, Jalāl al-Din, *al-Dor al-Manthour fi Tafsir al-Ma'thour*, Qom: Āyatollah Mar'ashi Najafi Library, 1404 A.H.

- Tabari, Abou Ja'far Mohammad Ibn Jarir, *Jāme' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dar al-Ma'refah, 1412 A.H.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Tehran: Nāser Khosrow, 1372 S.H.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, *Tafsīr Jawāme' al-Jāme'*, Tehran: Tehran University and Qom Howzeh 'Elmiah Publication, 1377 S.H.
- Tabātabā'i, Seyyed Mohammad Hosayn, *al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Qom: Islamic Publication of Jāme'a Modarresin Howze 'Elmia Qom, 1417 A.H.
- Tha'labi Neyshābouri, Abou Ishāq Ahmad Ibn Ibrāhim, *al-Kashf va al-Bayān 'an Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1422 A.H.
- Tousi, Mohammad Ibn Hasan, *al-Tebyān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, N.D.
- Varām Ibn Abi Forās, *Majmou'eh-ye Varām*, Qom: Faqih, 1410 A.H.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت(ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارتان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱.. بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سوره شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سوره نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی(ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم(ص) از نائیرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان(ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست‌های مسلمان و فمینیست‌های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هَذَا رَجِي» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم‌انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سوره انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیان‌فر | سید محمود طیب حسینی

